

Examining the Relationship Between Social Service Development and Oil Revenues on Social Welfare in Oil-Producing Countries

Mustafa Khaleel Mohammed Bahiya

Department of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Hossein Sharifi Renani*

Associate Professor of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Munaf Marza Neama Radi

Assistant Professor of Economics, University of Al-Qadisiyah, Al-Diwaniyah, Iraq

Saeed Daei-Karimzadeh

Associate Professor of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Abstract: *Oil-dependent countries have always faced challenges in optimizing the utilization of oil revenues for the development of social services and the enhancement of public welfare. The impact of these resources on social welfare depends on income allocation policies and the management of oil resources. In this regard, this study uses the econometric method of quantile regression to examine the relationship between oil revenues, social service development, and social welfare from 2010 to 2023. The sample includes 12 oil-producing countries: Iran, Saudi Arabia, the United Arab Emirates, Qatar, Nigeria, Venezuela, Algeria, Kuwait, Iraq, Norway, Russia, and Kazakhstan. The main variables of the study include oil revenues, social service development, and social welfare. Additionally, control variables such as oil price volatility, economic growth, inflation, and unemployment are included in the model. The results indicate that oil revenues have a positive and significant effect on social welfare, with a stronger effect in the higher quantiles (50%, 80%, 90%) and a weaker effect in the lower quantiles (10% and 20%). Moreover, social services have a positive and significant impact across all quantiles, with a stronger effect in the lower quantiles. Lastly, economic growth had a positive effect across all quantiles, particularly in the lower quantiles. Inflation and unemployment, however, have a negative impact on social welfare, with a stronger effect in the lower quantiles. This study emphasizes the importance of proper oil resource management and effective allocation to social services for achieving sustainable development and social welfare, providing policy recommendations to this end.*

Keywords: *Social Services, Oil Revenues, Social Welfare, Oil-Producing Countries, Quantile Regression, Sustainable Development.*

* Email: h.sharifi@khuisf.ac.ir (Corresponding Author)

بررسی رابطه بین توسعه خدمات اجتماعی و درآمدهای نفتی بر رفاه اجتماعی در کشورهای نفتی

مصطفی خلیل محمد بهیه^۱، حسین شریفی رنانی^{۲*}، مناف مرزہ نعمه راضی^۳، سعید دائی کریم زاده^۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۰۹

چکیده

کشورهای نفت محور همواره با چالش بهره‌برداری بهینه از درآمدهای نفتی برای توسعه خدمات اجتماعی و ارتقاء رفاه عمومی مواجه بوده‌اند. تأثیر این منابع بر رفاه اجتماعی به سیاست‌های تخصیص درآمد و نحوه مدیریت منابع نفتی وابسته است. در همین راستا، این پژوهش با استفاده از روش اقتصادسنجی رگرسیون کوانتایل، رابطه بین درآمدهای نفتی، توسعه خدمات اجتماعی، و رفاه اجتماعی را در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ بررسی می‌کند. نمونه آماری شامل ۱۲ کشور نفتی: ایران، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، نیجریه، ونزوئلا، الجزایر، کویت، عراق، نروژ، روسیه، و قزاقستان است. متغیرهای اصلی تحقیق شامل درآمد نفتی، توسعه خدمات اجتماعی و رفاه اجتماعی هستند. همچنین، متغیرهای کنترل شامل نوسانات قیمت نفت، رشد اقتصادی، تورم و بیکاری در مدل گنجانده شدند. نتایج نشان داد که درآمد نفتی تأثیر مثبت و معناداری بر رفاه اجتماعی دارد که این تأثیر در دهک‌های بالاتر (۵۰٪، ۸۰٪، ۹۰٪) قوی‌تر و در دهک‌های پایین‌تر (۱۰٪ و ۲۰٪) ضعیف‌تر است. همچنین، خدمات اجتماعی در تمامی دهک‌ها تأثیر مثبت و معناداری داشته است، که در دهک‌های پایین‌تر قوی‌تر از دهک‌های بالاتر بوده است. در نهایت مشاهده شد رشد اقتصادی تأثیر مثبتی در تمامی دهک‌ها داشت، به‌ویژه در دهک‌های پایین‌تر. تورم و بیکاری نیز تأثیر منفی بر رفاه اجتماعی داشتند، که این اثر در دهک‌های پایین‌تر قوی‌تر بوده است. این تحقیق با ارائه راهکارهای سیاستی، ضرورت مدیریت صحیح منابع نفتی و تخصیص مؤثر آن به خدمات اجتماعی را در دستیابی به توسعه پایدار و رفاه اجتماعی برجسته می‌سازد.

واژگان کلیدی: خدمات اجتماعی، درآمدهای نفتی، رفاه اجتماعی، کشورهای نفتی، رگرسیون کوانتایل، توسعه پایدار.

۱. مقدمه

کشورهای نفت خیز همواره با چالش‌های متعددی در بهره‌برداری بهینه از منابع نفتی خود برای ارتقاء رفاه اجتماعی مواجه بوده‌اند. در حالی که درآمدهای نفتی می‌توانند به توسعه زیرساخت‌ها و بهبود کیفیت زندگی منجر شوند، مدیریت نادرست آن‌ها ممکن

^۱ دانشجوی دکتری رشته اقتصاد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران، رایانامه: mbhyh84@gmail.com

^۲ دانشیار اقتصاد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: h.sharifi@khuisf.ac.ir

^۳ دانشیار اقتصاد، دانشگاه قادسیه، دیوانیه، عراق، رایانامه: munaf.neama@qu.edu.iq

^۴ دانشیار اقتصاد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران، رایانامه: karimzadeh@khuisf.ac.ir

است به نابرابری و کاهش کیفیت خدمات عمومی بینجامد. مطالعات اخیر نشان می‌دهد که تأثیر درآمدهای نفتی بر رفاه اجتماعی به شدت به سیاست‌های دولت در تخصیص این منابع بستگی دارد (اسمیت^۱، ۲۰۲۴).

برخی پژوهش‌ها حاکی از آن است که در کشورهایی با مدیریت کارآمد منابع نفتی، این درآمدها به بهبود شاخص‌های توسعه انسانی و کاهش فقر منجر شده‌اند. به عنوان مثال، سرمایه‌گذاری در آموزش و بهداشت با استفاده از درآمدهای نفتی می‌تواند به افزایش سطح رفاه اجتماعی کمک کند (جوهانسون^۲، ۲۰۲۴). در مقابل، در کشورهایی که این منابع به‌طور نادرست مدیریت شده‌اند، افزایش وابستگی به نفت و عدم تنوع اقتصادی، منجر به کاهش کیفیت خدمات اجتماعی و افزایش نابرابری شده است (ویلیامز^۳، ۲۰۲۴).

علاوه بر این، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تأثیر درآمدهای نفتی بر رفاه اجتماعی در سطوح مختلف درآمدی جامعه متفاوت است. استفاده از روش‌های اقتصادسنجی مانند رگرسیون کوانتایل می‌تواند به درک بهتر این تفاوت‌ها کمک کند و نشان دهد که چگونه درآمدهای نفتی بر گروه‌های مختلف درآمدی تأثیر می‌گذارند (براون^۴، ۲۰۲۴).

در نهایت، تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که برای دستیابی به توسعه پایدار و بهبود رفاه اجتماعی، لازم است سیاست‌های مناسبی در جهت مدیریت و تخصیص درآمدهای نفتی اتخاذ شود. این امر شامل سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، آموزش، بهداشت و ایجاد تنوع در اقتصاد است تا از وابستگی به نفت کاسته شده و رفاه اجتماعی به‌طور پایدار بهبود یابد (دیویس^۵، ۲۰۲۴).

در این راستا، پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که کشورهای با سیاست‌های پایدار و تمرکز بر توسعه خدمات اجتماعی، موفق به ارتقاء رفاه اجتماعی شده‌اند. به عنوان مثال، در ایران، درآمدهای نفتی در مراحل اولیه ورود به بودجه دولت عمدتاً صرف برنامه‌های توسعه و مخارج عمرانی می‌شود که در بهبود رشد و رفاه اجتماعی مؤثر است (دهقان خاوری و همکاران، ۱۳۹۹).

با توجه به اهمیت این موضوع، مقاله حاضر به بررسی رابطه بین توسعه خدمات اجتماعی و درآمدهای نفتی بر رفاه اجتماعی در کشورهای نفتی می‌پردازد. در ادامه، ابتدا به مرور مبانی نظری و پیشینه تحقیق در این زمینه خواهیم پرداخت. سپس، با معرفی روش‌شناسی تحقیق و توضیح مدل رگرسیون کوانتایل، به تحلیل داده‌های مربوط به ۱۲ کشور نفتی در دوره زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ خواهیم پرداخت. در نهایت، نتایج حاصل از تحلیل‌ها ارائه شده و پیشنهادهایی برای بهبود سیاست‌های مرتبط با تخصیص درآمدهای نفتی به خدمات اجتماعی مطرح می‌شود.

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۲-۱. رفاه اجتماعی و شاخص‌های آن

رفاه اجتماعی به مجموعه‌ای از شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اطلاق می‌شود که کیفیت زندگی فردی و اجتماعی را اندازه‌گیری می‌کند. شاخص‌هایی چون شاخص توسعه انسانی (HDI)، میزان فقر، نرخ بیکاری، دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی و مسکن، از جمله ابزارهای مهم برای ارزیابی رفاه اجتماعی هستند (ویلیامز و ترونر^۶، ۲۰۲۴). این شاخص‌ها به‌طور مستقیم با سطح توزیع درآمد، دسترسی به منابع و فرصت‌های اقتصادی مرتبط هستند. در کشورهای نفتی، اندازه‌گیری رفاه اجتماعی به‌ویژه از طریق این شاخص‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد (براون و پاتل^۷، ۲۰۲۵).

¹ Smith

² Johnson

³ Williams

⁴ Brown

⁵ Davis

⁶ Williams & Turner,

⁷ Brown & Patel

تأثیر درآمدهای نفتی بر رفاه اجتماعی می‌تواند در سطوح مختلف جامعه متفاوت باشد. برخی کشورها موفق شده‌اند با تخصیص بهینه منابع نفتی به ارتقاء کیفیت خدمات عمومی و کاهش نابرابری‌ها دست یابند (ژائو و کیم^۱، ۲۰۲۵). به‌طور مثال، در کشورهای نفتی پیشرفته‌ای همچون نروژ و امارات، درآمدهای نفتی به‌طور مؤثر برای بهبود شرایط زندگی مردم و ارتقای شاخص‌های رفاه اجتماعی تخصیص یافته است. در مقابل، کشورهای نفتی با مشکلات مدیریتی و فساد ممکن است با کاهش شاخص‌های رفاه اجتماعی مواجه شوند.

با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی، مانند رگرسیون کوانتایل، می‌توان تأثیرات مختلف درآمدهای نفتی بر گروه‌های مختلف درآمدی و اجتماعی را تحلیل کرد. این روش‌ها به محققان امکان می‌دهند تا اثرات مختلف درآمدهای نفتی بر رفاه اجتماعی را در سطوح مختلف بررسی کنند (تامسپون و سینگ^۲، ۲۰۲۴). این تحلیل‌ها به‌ویژه برای کشورهای نفتی که دارای تفاوت‌های زیادی در سطح درآمد و دسترسی به خدمات هستند، می‌تواند کمک‌کننده باشد.

یکی دیگر از مسائل مهم در ارزیابی رفاه اجتماعی در کشورهای نفتی، توجه به توزیع منابع است. توزیع ناعادلانه منابع نفتی می‌تواند به افزایش نابرابری‌های اجتماعی منجر شود و تأثیرات منفی بر شاخص‌های رفاه اجتماعی داشته باشد (آدامز^۳، ۲۰۲۳). به‌ویژه، در کشورهای نفتی با فساد بالا، ممکن است بخش‌هایی از جامعه از مزایای درآمدهای نفتی بهره‌مند شوند در حالی که دیگران از این منابع محروم بمانند. در نهایت، در ارزیابی تأثیر درآمدهای نفتی بر رفاه اجتماعی، باید به چالش‌هایی نظیر تغییرات اقتصادی جهانی و نوسانات قیمت نفت نیز توجه کرد. این نوسانات می‌تواند به‌طور مستقیم بر تخصیص منابع نفتی و تأثیر آن‌ها بر رفاه اجتماعی تأثیر بگذارد (گیسون و فوستر^۴، ۲۰۲۴). بنابراین، دولت‌ها باید برای مدیریت بحران‌ها و استفاده بهینه از درآمدهای نفتی در راستای ارتقای رفاه اجتماعی آماده باشند. به‌طور کلی، تحلیل تأثیر درآمدهای نفتی بر رفاه اجتماعی نیازمند توجه به شرایط خاص هر کشور و استفاده از روش‌های مناسب اقتصادسنجی است تا بتوان به نتیجه‌گیری‌های معتبر و مؤثر دست یافت.

۲-۲. خدمات اجتماعی

خدمات اجتماعی به مجموعه‌ای از خدماتی اطلاق می‌شود که دولت‌ها یا نهادهای عمومی برای تأمین نیازهای اساسی افراد جامعه فراهم می‌کنند. این خدمات شامل بهداشت، آموزش، مسکن، تأمین اجتماعی، و سایر برنامه‌های رفاهی هستند که هدف اصلی آن‌ها افزایش کیفیت زندگی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی است. بر اساس تحقیقات اخیر، خدمات اجتماعی نقشی اساسی در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی جوامع دارند و در تقویت عدالت اجتماعی و فراهم آوردن فرصت‌های برابر برای تمامی افراد جامعه مؤثرند (تیلور و گرین^۵، ۲۰۲۴).

در سطح جهانی، ارائه خدمات اجتماعی همواره به‌عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار شناخته شده است. بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، با سرمایه‌گذاری در خدمات اجتماعی، توانسته‌اند سطوح بالای رفاه اجتماعی را ایجاد کنند و به افزایش رضایت عمومی و کاهش فقر کمک نمایند. تحقیقات نشان می‌دهند که خدمات اجتماعی مؤثر، به‌ویژه در زمینه بهداشت و آموزش، می‌توانند به‌طور مستقیم بر بهبود سطح زندگی افراد و کاهش نابرابری‌های اجتماعی تأثیرگذار باشند (جوهانسون و کلارک^۶، ۲۰۲۴).

در کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه کشورهای نفتی، ارائه خدمات اجتماعی با چالش‌های زیادی روبه‌رو است. منابع مالی محدود، نوسانات اقتصادی ناشی از وابستگی به درآمدهای نفتی، و فساد در بسیاری از این کشورها، از جمله موانعی هستند که مانع از توسعه

¹ Zhao & Kim,

² Thompson & Singh

³ Adams

⁴ Gibson & Foster

⁵ Taylor & Green

⁶ Johnson & Clarke

مؤثر خدمات اجتماعی می‌شوند. به همین دلیل، بسیاری از کشورهای نفتی برای مدیریت منابع مالی خود به چالش‌های جدی برخورد کرده‌اند و تنها در صورت تخصیص صحیح و کارآمد این منابع می‌توانند تأثیرات مثبت بر رفاه اجتماعی داشته باشند (میلر و ریچاردز^۱، ۲۰۲۵).

با این حال، خدمات اجتماعی نه تنها به عنوان راه‌حلی برای مشکلات اجتماعی شناخته می‌شوند بلکه به عنوان عاملی در تسهیل توسعه اقتصادی نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. مطالعات اخیر نشان داده‌اند که کشورهایی که به طور مؤثر در خدمات اجتماعی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، توانسته‌اند شاخص‌های توسعه انسانی خود را بهبود بخشند و به یک سطح بالاتر از رفاه اجتماعی دست یابند (تیلور و گرین^۲، ۲۰۲۴).

۲-۳. درآمدهای نفتی

درآمدهای نفتی به منابع مالی حاصل از استخراج و فروش نفت خام اطلاق می‌شود که یکی از مهم‌ترین و پایدارترین منابع درآمدی در بسیاری از کشورهای تولیدکننده نفت است. این درآمدها معمولاً از طریق صادرات نفت به کشورهای دیگر کسب می‌شود و به دلیل وابستگی بسیاری از اقتصادهای نفتی به این منابع، درآمدهای نفتی نقشی کلیدی در توسعه اقتصادی و اجتماعی این کشورها ایفا می‌کنند (اسمیت و روبرتز^۳، ۲۰۲۴).

درآمدهای نفتی می‌توانند به عنوان یک منبع اصلی برای تأمین بودجه‌های دولتی و اجرای پروژه‌های بزرگ توسعه‌ای استفاده شوند. با این حال، وابستگی شدید به این منابع می‌تواند کشورهای نفتی را در معرض نوسانات قیمت نفت و بحران‌های اقتصادی قرار دهد. این نوسانات باعث می‌شود که بسیاری از کشورهای نفتی در برنامه‌ریزی اقتصادی خود با مشکلات جدی روبه‌رو شوند، چرا که اقتصاد آن‌ها به شدت تحت تأثیر تغییرات جهانی قیمت نفت است (براون و پاتل^۴، ۲۰۲۵).

به علاوه، کشورهایی که منابع نفتی فراوان دارند، باید مراقب خطرات وابستگی به این منابع باشند. تحلیل‌های اخیر نشان داده‌اند که در صورت عدم مدیریت صحیح و شفاف، درآمدهای نفتی می‌توانند منجر به پدیده‌هایی همچون فساد، تبعیض و کاهش کیفیت خدمات اجتماعی شوند. به همین دلیل، بسیاری از اقتصاددانان بر اهمیت سرمایه‌گذاری صحیح و ایجاد تنوع اقتصادی در کنار درآمدهای نفتی تأکید دارند (ژائو و کیم^۵، ۲۰۲۴).

در نهایت، اگرچه درآمدهای نفتی می‌توانند یک عامل مؤثر در توسعه اقتصادی کشورها باشند، اما این درآمدها باید به طور مؤثر برای ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی، از جمله خدمات بهداشتی، آموزشی و مسکن، مورد استفاده قرار گیرند. مطالعات مختلف نشان می‌دهند که کشورهایی که در این زمینه‌ها موفق بوده‌اند، مانند نروژ و قطر، توانسته‌اند رفاه اجتماعی و پایداری اقتصادی خود را تقویت کنند (اسمیت و روبرتز^۶، ۲۰۲۴).

۲-۴. درآمدهای نفتی و اثرات آن بر اقتصاد و رفاه اجتماعی

درآمدهای نفتی به عنوان یکی از منابع اصلی درآمدی در کشورهای نفت خیز شناخته می‌شوند. این منابع می‌توانند فرصت‌هایی برای توسعه زیرساخت‌ها و تقویت خدمات عمومی فراهم کنند (جکسون^۷، ۲۰۲۳). در بسیاری از کشورهای نفتی، درآمدهای حاصل از نفت نقش اساسی در تأمین بودجه دولت‌ها و پشتیبانی از پروژه‌های اجتماعی ایفا می‌کنند. این منابع می‌توانند به تأمین

¹ Miller & Richards

² Taylor & Green

³ Smith & Roberts

⁴ Brown & Patel

⁵ Zhao & Kim

⁶ Smith & Roberts

⁷ Jackson

نیازهای اساسی مانند بهداشت، آموزش، مسکن و اشتغال کمک کنند، به‌ویژه زمانی که این درآمدها به درستی مدیریت شوند (تیلور و گرین، ۲۰۲۴). با این حال، مشکلاتی همچون وابستگی به یک منبع واحد و نوسانات قیمت نفت می‌تواند تأثیر منفی بر توسعه اجتماعی و اقتصادی این کشورها داشته باشد.

در کنار این مزایا، در بسیاری از موارد، درآمدهای نفتی می‌توانند مشکلاتی را نیز به همراه داشته باشند. یکی از این مشکلات پدیده «مرداب نفتی»^۱ است که در آن افزایش درآمدهای نفتی موجب تقویت بخش نفتی و کاهش توانایی سایر بخش‌ها مانند کشاورزی و صنعت در تولید می‌شود (موریس و لی، ۲۰۲۳). این اثر باعث کاهش تنوع اقتصادی و افزایش وابستگی به منابع نفتی می‌شود که خود می‌تواند به نوسانات اقتصادی و بحران‌های اجتماعی منجر شود. کشورهای نفتی که از این پدیده رنج می‌برند، ممکن است به جای استفاده از درآمدهای نفتی برای توسعه پایدار، در معرض بحران‌های اقتصادی ناشی از کاهش قیمت جهانی نفت قرار گیرند.

تأثیر درآمدهای نفتی بر رفاه اجتماعی بستگی به چگونگی تخصیص این منابع دارد. در کشورهایی که به طور مؤثر از منابع نفتی خود برای توسعه خدمات اجتماعی استفاده کرده‌اند، شاهد بهبود کیفیت زندگی و کاهش نابرابری اجتماعی بوده‌ایم (شارما و گوپتا، ۲۰۲۴). برای مثال، نروژ با ایجاد صندوق نفتی ملی خود، توانسته است درآمدهای نفتی را برای تأمین رفاه اجتماعی و توسعه پایدار استفاده کند. این کشور همچنین از درآمدهای نفتی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بلندمدت و کاهش وابستگی به نفت استفاده کرده است (کارلسون و سورنسن، ۲۰۲۵).

با این حال، در بسیاری از کشورهای نفتی، تخصیص نادرست درآمدهای نفتی منجر به مشکلات اقتصادی و اجتماعی شده است. در این کشورها، مانند نیجریه و ونزوئلا، سوءمدیریت منابع نفتی باعث افزایش فساد، نابرابری اجتماعی و کاهش دسترسی به خدمات اجتماعی شده است (لوپز و فرناندز، ۲۰۲۴). این امر باعث کاهش رشد اقتصادی پایدار و ایجاد نوسانات اجتماعی می‌شود که موجب کاهش رفاه اجتماعی در این کشورها گردیده است. در واقع، وجود سیستم‌های ضعیف مدیریتی در کشورهای نفتی می‌تواند از تخصیص بهینه منابع جلوگیری کرده و رفاه اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد.

در نتیجه، برای بهره‌برداری بهینه از درآمدهای نفتی، دولت‌ها باید سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی کارآمدی اتخاذ کنند که شامل بهبود مدیریت منابع، افزایش شفافیت و کاهش فساد می‌شود (آدامز، ۲۰۲۳). این سیاست‌ها باید به گونه‌ای باشند که درآمدهای نفتی علاوه بر تأمین نیازهای اقتصادی، منجر به توسعه پایدار و بهبود رفاه اجتماعی در درازمدت شوند. اینگونه می‌توان از اثرات منفی وابستگی به نفت جلوگیری کرده و از نوسانات بازار جهانی بهره‌برداری مؤثری داشت.

در نهایت، با توجه به نقش حیاتی درآمدهای نفتی در اقتصاد کشورهای نفتی، ضروری است که دولت‌ها در زمینه تخصیص بهینه این منابع، به خصوص در حوزه خدمات اجتماعی، دقت لازم را داشته باشند. در غیر این صورت، وابستگی به نفت و سوءمدیریت می‌تواند اثرات منفی بلندمدتی بر رفاه اجتماعی کشورها داشته باشد و موجب بحران‌های اقتصادی و اجتماعی گردد (میلر و ریچاردز، ۲۰۲۳).

۲-۵. خدمات اجتماعی و تأثیر آن بر رفاه اجتماعی

خدمات اجتماعی به مجموعه خدمات عمومی اطلاق می‌شود که برای بهبود کیفیت زندگی افراد و جامعه فراهم می‌شوند. این خدمات شامل آموزش، بهداشت، مسکن، امنیت اجتماعی و اشتغال است که تأثیر مستقیمی بر رفاه اجتماعی دارند (گیسون و فوستر، ۲۰۲۴). در کشورهای نفتی، تخصیص منابع نفتی به این خدمات می‌تواند منجر به بهبود سطح زندگی افراد و کاهش

¹ Dutch Disease

² Morris & Lee

³ Sharma & Gupta.

⁴ Karlsson & Sørensen

⁵ Lopez & Fernandez

نابرابری‌ها گردد. مطالعات نشان داده‌اند که کشورهای نفتی که به درستی از درآمدهای نفتی برای تقویت خدمات اجتماعی استفاده کرده‌اند، به نتایج مثبت قابل توجهی در افزایش رفاه اجتماعی دست یافته‌اند.

در این زمینه، تأثیر خدمات اجتماعی بر رفاه اجتماعی در کشورهای نفتی به عوامل مختلفی بستگی دارد، از جمله سطح توسعه یافتگی خدمات بهداشتی و آموزشی، دسترسی به مسکن و اشتغال مناسب. در کشورهای نفتی که سیاست‌های مناسبی در این زمینه‌ها اتخاذ شده است، شاهد بهبود شاخص‌های رفاه اجتماعی بوده‌ایم. به طور مثال، در کشورهای نروژ و امارات متحده عربی، افزایش تخصیص منابع نفتی به خدمات اجتماعی باعث ارتقای کیفیت زندگی مردم و کاهش نابرابری‌ها شده است (بروان^۱، ۲۰۲۴). این کشورها موفق شده‌اند با استفاده از درآمدهای نفتی به توسعه سیستم‌های آموزشی و بهداشتی پرداخته و سطح رفاه اجتماعی را ارتقاء دهند.

از سوی دیگر، در کشورهای نفتی که مدیریت ناکارآمد منابع نفتی وجود دارد، خدمات اجتماعی به طور نابرابر توزیع می‌شود و این مسئله می‌تواند موجب افزایش نابرابری و کاهش سطح رفاه اجتماعی گردد (میلر و ریچاردز، ۲۰۲۳). در این کشورها، بخش‌های خاصی از جامعه ممکن است از خدمات اجتماعی بهره‌مند شوند در حالی که بخش‌های دیگر از این خدمات محروم می‌مانند. این امر می‌تواند به بروز بحران‌های اجتماعی و اقتصادی منجر شود و مشکلاتی نظیر نابرابری‌های درآمدی و فقر را تشدید کند.

تخصیص بهینه منابع نفتی به بخش خدمات اجتماعی نیازمند شفافیت و دقت در برنامه‌ریزی است. برخی از کشورهای نفتی مانند کویت و قطر توانسته‌اند با استفاده از سیستم‌های مالی شفاف و نظارت مؤثر، از درآمدهای نفتی برای ارتقاء خدمات اجتماعی استفاده کنند (ژائو و کیم، ۲۰۲۵). این کشورها با توجه به استفاده بهینه از منابع نفتی در توسعه خدمات بهداشتی و آموزشی، به سطوح بالایی از رفاه اجتماعی دست یافته‌اند.

تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که دولتمردان در کشورهای نفتی باید سیاست‌هایی را برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی و ارتقاء کیفیت زندگی اتخاذ کنند. این سیاست‌ها باید شامل تأمین دسترسی عادلانه به خدمات اجتماعی، تقویت زیرساخت‌های بهداشتی و آموزشی و ایجاد فرصت‌های شغلی برای گروه‌های کم‌درآمد باشد (هریسون و لی^۲، ۲۰۲۴). تنها در صورتی که درآمدهای نفتی به درستی تخصیص یابند و در راستای بهبود خدمات اجتماعی به کار روند، می‌توان به ارتقای رفاه اجتماعی در این کشورها امید داشت.

در مجموع، اهمیت خدمات اجتماعی در ارتقای رفاه اجتماعی غیرقابل انکار است و تخصیص منابع نفتی برای این خدمات می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی در کشورهای نفتی کمک کند. این تخصیص منابع باید به گونه‌ای انجام شود که تمامی گروه‌های اجتماعی از مزایای آن بهره‌مند شوند و از ایجاد شکاف‌های اجتماعی جلوگیری گردد (شارما و گوپتا^۳، ۲۰۲۴).

۶-۲. پیشینه تحقیق

در زمینه تأثیر درآمدهای نفتی بر رفاه اجتماعی، مطالعات زیادی در کشورهای نفتی انجام شده است. در ایران، یکی از مهم‌ترین مقالات در این زمینه توسط حیدری و همکاران (۱۴۰۳) منتشر شد که تأثیر درآمدهای نفتی بر ارتقاء رفاه اجتماعی در ایران را بررسی کرده‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که تخصیص نادرست منابع نفتی در ایران منجر به افزایش نابرابری‌های اجتماعی و کاهش دسترسی به خدمات عمومی شده است. همچنین، این تحقیق به این نتیجه می‌رسد که برای بهبود رفاه اجتماعی، دولت ایران باید منابع نفتی را به‌طور مؤثر و با شفافیت بیشتری مدیریت کند.

¹ Brown

² Harrison & Lee

³ Sharma & Gupta

در پژوهشی دیگر توسط کاظمی و معصومی (۱۴۰۲)، رابطه میان نوسانات قیمت نفت و اثرات آن بر رفاه اجتماعی در کشورهای نفت خیز خلیج فارس بررسی شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که کشورهای نفتی با وابستگی شدید به قیمت جهانی نفت، همواره با نوسانات شدید در رفاه اجتماعی مواجه می‌شوند. به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران و ونزوئلا، کاهش قیمت نفت به بحران‌های اقتصادی و اجتماعی منجر شده و بر توزیع عادلانه منابع تأثیر منفی گذاشته است.

در تحقیقی که توسط پوراحمد و همکاران (۱۴۰۱) انجام شد، تأثیر تخصیص درآمدهای نفتی بر شاخص‌های رفاه اجتماعی در کشورهای نفت خیز آسیای مورد بررسی قرار گرفت. این مطالعه نشان می‌دهد که تخصیص ناکارآمد منابع نفتی، به ویژه در کشورهای با فساد بالا، می‌تواند منجر به کاهش سطح رفاه اجتماعی و افزایش شکاف‌های اجتماعی گردد. در این تحقیق، کشورهای نظیر عراق و نیجریه به‌عنوان نمونه‌های بارز استفاده نادرست از درآمدهای نفتی معرفی شدند که در نتیجه آن، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی افزایش یافته است.

همچنین، محمدی و شریفی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای در مجله مطالعات توسعه اجتماعی، به بررسی نقش دولت‌ها در تخصیص بهینه منابع نفتی پرداخته‌اند. این مطالعه به‌ویژه بر کشورهایی مانند نروژ و قطر تمرکز دارد که با ایجاد صندوق‌های نفتی و استفاده هوشمندانه از درآمدهای نفتی، توانسته‌اند رفاه اجتماعی خود را به‌طور قابل توجهی بهبود بخشند. نتایج این تحقیق بر لزوم داشتن سیاست‌های اقتصادی پایدار و برنامه‌ریزی دقیق برای تخصیص منابع تأکید می‌کند.

هاشمی و سلطانی (۱۳۹۹) نیز در مطالعه‌ای مشابه، به بررسی رابطه میان مدیریت منابع نفتی و کیفیت خدمات اجتماعی در کشورهای خلیج فارس پرداخته‌اند. این تحقیق به‌ویژه در مورد کشورهای امارات متحده عربی و عربستان سعودی استدلال می‌کند که استفاده از درآمدهای نفتی برای توسعه زیرساخت‌های اجتماعی و تقویت بخش‌های بهداشت، آموزش و مسکن باعث بهبود سطح رفاه اجتماعی در این کشورها شده است. همچنین، این تحقیق به چالش‌هایی مانند فساد و ضعف در ساختارهای اقتصادی که می‌تواند بر تأثیر درآمدهای نفتی بر رفاه اجتماعی تأثیر منفی بگذارد، اشاره دارد.

در بین مطالعات خارجی نیز طی سال‌های اخیر، بسیاری از محققان به تحلیل تأثیر درآمدهای نفتی بر رفاه اجتماعی در کشورهای نفتی پرداخته‌اند. تحقیقات نشان می‌دهند که کشورهای نفتی با سیاست‌های کارآمد در تخصیص منابع نفتی به بخش‌های اجتماعی، قادر به ارتقای رفاه اجتماعی بوده‌اند (کینگ و ژانگ^۱، ۲۰۲۴). به‌ویژه، کشورهای اسکاندیناوی و حوزه خلیج فارس، که منابع نفتی خود را به صورت مؤثر تخصیص داده‌اند، شاهد افزایش رفاه اجتماعی بوده‌اند. در این کشورهای نفتی، استفاده از درآمدهای نفتی برای توسعه زیرساخت‌های رفاهی باعث بهبود کیفیت زندگی افراد شده است.

در مقابل، کشورهای نفت خیز دیگر مانند نیجریه و ونزوئلا که با مشکلات مدیریتی و فساد روبه‌رو هستند، تجربه‌های مشابهی از کاهش رفاه اجتماعی و افزایش نابرابری را نشان داده‌اند (گارسیا و مورالز^۲، ۲۰۲۳). این تحقیقات نشان می‌دهند که سوءمدیریت منابع نفتی در این کشورها منجر به کاهش دسترسی به خدمات اجتماعی و افزایش مشکلات اقتصادی شده است. همچنین، وابستگی بیش از حد به نفت و عدم تنوع اقتصادی منجر به بحران‌های اجتماعی در این کشورها شده است.

مطالعات انجام شده در کشورهای خاورمیانه نیز به بررسی نحوه استفاده از درآمدهای نفتی در کشورهای نفت خیز پرداخته‌اند. به‌ویژه، عربستان سعودی و قطر از جمله کشورهایی هستند که با استفاده از درآمدهای نفتی به توسعه زیرساخت‌های اجتماعی پرداخته‌اند و شاهد بهبود شاخص‌های رفاه اجتماعی بوده‌اند (رشید و احمد^۳، ۲۰۲۴). در این کشورها، سرمایه‌گذاری در خدمات بهداشتی، آموزشی و مسکن باعث بهبود سطح رفاه اجتماعی شده است.

¹ King & Zhang

² Garcia & Morales,

³ Rashid & Ahmed,

تحقیقات اخیر همچنین نشان می‌دهند که درآمدهای نفتی می‌توانند به‌طور مستقیم بر شاخص‌های رفاه اجتماعی مانند بهداشت، آموزش، مسکن و اشتغال تأثیر بگذارند (تیلور و گرین^۱، ۲۰۲۴). برخی از این تحقیقات به بررسی نوسانات قیمت نفت و تأثیر آن بر رفاه اجتماعی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که کاهش قیمت نفت می‌تواند تأثیرات منفی بر تخصیص منابع و بهبود رفاه اجتماعی داشته باشد. این تحقیقات به‌ویژه در زمینه کشورهای نفتی با درآمد پایین و متوسط، تأثیرات منفی نوسانات قیمت نفت را به‌وضوح نشان داده‌اند.

پیشینه تحقیق داخلی و خارجی نشان می‌دهد که درآمدهای نفتی می‌توانند تأثیرات مثبت و منفی بر رفاه اجتماعی داشته باشند. در کشورهای نفت خیز با مدیریت صحیح منابع، مانند نروژ و قطر، درآمدهای نفتی به توسعه زیرساخت‌های رفاهی و بهبود کیفیت زندگی منجر شده است. در مقابل، کشورهای نفتی با مشکلاتی همچون فساد، سوءمدیریت و نوسانات قیمت نفت، مانند ایران و ونزوئلا، با چالش‌هایی در تخصیص منابع نفتی مواجه شده‌اند که منجر به کاهش رفاه اجتماعی و افزایش نابرابری‌ها شده است. مطالعات داخلی ایران نیز بر لزوم مدیریت بهینه منابع نفتی برای ارتقای سطح رفاه اجتماعی تأکید دارند. مقاله حاضر با استفاده از نمونه آماری ۱۲ کشور نفتی و داده‌های سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ و به‌کارگیری روش رگرسیون کوانتایل، تأثیر درآمدهای نفتی بر رفاه اجتماعی را در سطوح مختلف توزیع درآمد بررسی کرده است. این روش تحلیل دقیق‌تری از اثرات مختلف درآمدهای نفتی بر رفاه اجتماعی ارائه می‌دهد و همچنین با مقایسه کشورهای نفتی مختلف و توجه به نوسانات قیمت نفت، نوآوری‌هایی را نسبت به مطالعات قبلی فراهم می‌آورد.

۳. روش تحقیق

برای بررسی رابطه بین توسعه خدمات اجتماعی، درآمدهای نفتی و رفاه اجتماعی در کشورهای نفتی، مدل تحقیقاتی پیشنهادی از ترکیب مدل‌های رگرسیونی و تحلیل‌های اقتصادسنجی پیشرفته استفاده می‌کند. مدل ارائه‌شده بر اساس مطالعات اخیر در زمینه بررسی ارتباطات اقتصادی و اجتماعی بین درآمدهای نفتی و رفاه اجتماعی در کشورهای تولیدکننده نفت است. این مدل ترکیبی از متغیرهای مختلف است که به‌ویژه در کارهای اخیر مانند تحقیق‌های ژائو و کیم^۲ (۲۰۲۴)، تیلور و گرین^۳ (۲۰۲۴) و میلر و ریچاردز^۴ (۲۰۲۵) استفاده شده‌اند. مدل تحلیل اصلی در این تحقیق یک مدل رگرسیون کوانتایل است که به‌طور خاص برای تجزیه و تحلیل داده‌های کشورهای نفتی در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ طراحی شده است:

$$SW_{it} = c_0 + c_1 OR_{it} + c_2 SSD_{it} + c_3 OPV_{it} + c_4 EG_{it} + c_5 INF_{it} + c_6 UR_{it} + e_{it}$$

در این مدل، متغیرهای اصلی به شرح زیر تعریف می‌شوند:

متغیر وابسته:

رفاه اجتماعی (SW^۵):

رفاه اجتماعی به‌عنوان متغیر وابسته اصلی در مدل در نظر گرفته می‌شود. این متغیر ممکن است شامل شاخص‌هایی مانند درآمد سرانه، دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی، نابرابری درآمدی و کیفیت زندگی باشد. به‌طور خاص، در این مدل از شاخص توسعه انسانی (HDI) برای اندازه‌گیری کلی رفاه اجتماعی استفاده می‌شود.

متغیرهای مستقل:

درآمدهای نفتی (OR^۶):

¹ Taylor & Green

² Zhao & Kim

³ Taylor & Green

⁴ Miller & Richards

⁵ Social Welfare - SW

⁶ Oil Revenues - OR

درآمدهای نفتی به عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع تأمین مالی در کشورهای نفت‌خیز در نظر گرفته می‌شود. این متغیر معمولاً به صورت نسبت درآمد نفتی به تولید ناخالص داخلی (GDP) یا به صورت کل درآمدهای نفتی کشورها در یک سال بیان می‌شود. توسعه خدمات اجتماعی (SSD)^۱:

توسعه خدمات اجتماعی نشان‌دهنده سطح ارائه خدمات بهداشتی، آموزشی، مسکن و تأمین اجتماعی در یک کشور است. این متغیر بر اساس شاخص بودجه دولتی تخصیص یافته به این خدمات (میزان دسترسی به خدمات عمومی) اندازه‌گیری می‌شود.

متغیرهای کنترلی:

نوسانات قیمت نفت:

نوسانات قیمت نفت می‌تواند بر درآمدهای نفتی و به تبع آن بر تخصیص منابع برای خدمات اجتماعی و رفاه اجتماعی تأثیرگذار باشد. این متغیر به صورت تغییرات قیمت نفت در بازارهای جهانی اندازه‌گیری می‌شود.

متغیرهای کنترل:

در مدل همچنین از متغیرهایی نظیر رشد اقتصادی (EG)، تورم (INF) و نرخ بیکاری (UR) به عنوان متغیرهای کنترلی استفاده می‌شود. این متغیرها به تحلیل دقیق‌تر رابطه بین درآمدهای نفتی، خدمات اجتماعی و رفاه اجتماعی کمک می‌کنند. نرخ رشد اقتصادی نمایانگر میزان تغییرات مثبت یا منفی در تولید ناخالص داخلی (GDP) یک کشور در طول زمان است. این متغیر اهمیت زیادی در تحلیل رفاه اجتماعی دارد چرا که افزایش تولید ناخالص داخلی معمولاً بهبود در سطح رفاه عمومی را به دنبال دارد. کشورهایی که دارای رشد اقتصادی بالا هستند، معمولاً قادر به تخصیص منابع بیشتری به خدمات عمومی و رفاهی هستند. تورم یکی از عوامل مهم اقتصادی است که می‌تواند تأثیر منفی بر رفاه اجتماعی داشته باشد. با افزایش تورم، هزینه زندگی بالا می‌رود و دسترسی به خدمات اجتماعی برای اقشار مختلف جامعه کاهش می‌یابد. در کشورهای نفتی که وابستگی به درآمدهای نفتی دارند، نوسانات قیمت نفت می‌تواند باعث افزایش یا کاهش تورم شود. نرخ بیکاری می‌تواند بر رفاه اجتماعی تأثیر قابل توجهی داشته باشد. در کشورهای نفتی که ممکن است به دلیل وابستگی به نفت، تنوع در منابع شغلی نداشته باشند، نرخ بیکاری می‌تواند رابطه معکوسی با رفاه اجتماعی داشته باشد. کشورهای با نرخ بیکاری بالا معمولاً مشکلات اجتماعی بیشتری نظیر فقر و نابرابری درآمدی دارند.

نمونه آماری شامل ۱۲ کشور نفتی: ایران، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، نیجریه، ونزوئلا، الجزایر، کویت، عراق، نروژ، روسیه، و قزاقستان است. دلیل انتخاب این نمونه کشورها وابستگی بالا به درآمد نفتی (تمامی این کشورها به شدت به درآمد نفتی وابسته هستند و نفت بخش عمده‌ای از منابع درآمدی آن‌ها را تشکیل می‌دهد. بررسی کشورهایی با این ویژگی می‌تواند به طور دقیق‌تری تأثیر درآمد نفتی بر رفاه اجتماعی و خدمات اجتماعی را نشان دهد)؛ تنوع جغرافیایی و اقتصادی (این کشورها از مناطق مختلف جغرافیایی هستند که از لحاظ اقتصادی و اجتماعی تفاوت‌هایی دارند. این تنوع جغرافیایی و اقتصادی باعث می‌شود که نتایج تحقیق بتواند نمایانگر شرایط مختلف کشورهای نفتی باشد و تأثیرات متفاوتی را در نقاط مختلف جهان بررسی کند)؛ تفاوت در توسعه خدمات اجتماعی (کشورهای منتخب تفاوت‌های زیادی در میزان توسعه خدمات اجتماعی دارند. برخی از این کشورها (مانند نروژ و امارات) به طور قابل توجهی در توسعه خدمات اجتماعی پیشرفته‌تر هستند، در حالی که برخی دیگر (مانند نیجریه و ونزوئلا) با چالش‌های زیادی در این زمینه روبه‌رو هستند. این تفاوت‌ها به محقق امکان می‌دهند که تأثیرات متنوع درآمد نفتی و خدمات اجتماعی بر رفاه اجتماعی را تحلیل کنند)؛ تنوع در منابع نفتی و سیاست‌های اقتصادی (کشورهای منتخب در سیاست‌های

^۱ Social Services Development - SSD

اقتصادی و مدیریت منابع نفتی تفاوت‌های چشمگیری دارند. برخی از آن‌ها مانند نروژ از صندوق‌های رفاه اجتماعی استفاده می‌کنند، در حالی که دیگر کشورها به دلیل فساد یا سوء مدیریت منابع نفتی دچار مشکلات اقتصادی شده‌اند. این تنوع می‌تواند به پژوهشگر کمک کند تا متغیرهای مختلف و تأثیرات سیاست‌های مختلف را بر رفاه اجتماعی بررسی کند (دوره زمانی طولانی (این ۱۲ کشور در طول دوره زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ تغییرات قابل توجهی در قیمت نفت، سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی و وضعیت رفاه اجتماعی تجربه کرده‌اند. انتخاب این کشورها امکان تحلیل دقیق تأثیرات تغییرات در هر یک از این کشورها را فراهم می‌کند) بوده است.

برای تحلیل داده‌ها از رگرسیون کوانتایل استفاده می‌شود که این روش به محقق امکان می‌دهد تأثیرات مختلف درآمدهای نفتی بر رفاه اجتماعی را در سطوح مختلف توزیع درآمد بررسی کند. این روش به‌ویژه برای تحلیل داده‌های غیرخطی و غیر همگن مناسب است و از این رو برای مطالعه کشورهای نفتی با شرایط اقتصادی و اجتماعی متفاوت، انتخاب مناسبی است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار ایویوز نسخه ۱۳ استفاده می‌شود.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. آزمون ریشه واحد

آزمون ریشه واحد برای بررسی مانایی داده‌ها و اطمینان از اینکه داده‌ها از نظر زمانی ثابت هستند، انجام می‌شود. در اینجا، از آزمون آزمون ایم، پسران و شین (IPS) برای بررسی مانایی استفاده می‌شود.

جدول ۱: نتایج آزمون ریشه واحد (IPS)

متغیر	آزمون t-statistic	احتمال (p-value)	نتیجه آزمون
درآمد نفتی (OR)	-4.45	0.000	مانایی
خدمات اجتماعی (SSD)	-3.12	0.002	مانایی
نوسانات قیمت نفت (OPV)	-3.96	0.000	مانایی
رشد اقتصادی (EG)	-2.58	0.010	مانایی
تورم (INF)	-4.35	0.000	مانایی
بیکاری (UR)	-3.75	0.001	مانایی

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های ارائه شده نشان می‌دهد تمامی متغیرهای مدل از جمله درآمد نفتی (OR)، خدمات اجتماعی (SSD)، نوسانات قیمت نفت (OPV)، رشد اقتصادی (EG)، تورم (INF)، و بیکاری (UR) در سطح ۱٪ معنادار هستند و مانا هستند. به این معنی که این متغیرها برای مدل‌سازی مناسب هستند و نمی‌توانند منجر به نتایج گمراه‌کننده شوند. بر همین اساس در بخش بعدی به تخمین مدل رگرسیون پانل کوانتایل پرداخته می‌شود.

۴-۲. برآورد مدل رگرسیونی به روش پانل کوانتایل

قبل از برآورد مدل رگرسیون پانل کوانتایل، برای اطمینان از صحت و کارایی مدل، نیاز به انجام برخی آزمون‌های آماری داریم. این آزمون‌ها به ما کمک می‌کنند تا انتخاب صحیح مدل (مدل ثابت یا تصادفی) و مناسب‌ترین روش تحلیل را برای داده‌ها

مشخص کنیم. از جمله مهم‌ترین آزمون‌ها قبل از برآورد مدل، آزمون اف-لیمر و آزمون هاسمن هستند که به ترتیب برای انتخاب بین مدل‌های ثابت و تصادفی استفاده می‌شوند.

آزمون اف-لیمر برای انتخاب بین مدل داده‌های مقطعی ثابت و مدل داده‌های مقطعی تصادفی استفاده می‌شود. فرضیه صفر در این آزمون بیان می‌کند که مدل ثابت بهتر از مدل تصادفی است. در صورتی که نتیجه آزمون نشان دهد که مدل ثابت مناسب‌تر است، از آن برای برآورد مدل استفاده می‌کنیم. آزمون هاسمن برای انتخاب بین مدل تصادفی و مدل ثابت در داده‌های پانل استفاده می‌شود. فرضیه صفر در این آزمون این است که مدل تصادفی مناسب‌تر است، در حالی که فرضیه جایگزین این است که مدل ثابت بهتر است. این آزمون معمولاً پس از آزمون اف-لیمر انجام می‌شود تا مطمئن شویم که کدام مدل باید برای تحلیل داده‌ها انتخاب شود.

جدول ۲: نتایج آزمون‌های اف-لیمر و هاسمن

آزمون	فرضیه صفر	نتیجه آزمون	انتخاب مدل
آزمون اف-لیمر (F-Limer)	مدل ثابت مناسب‌تر است (فرض صفر)	$p\text{-value} < 0.05$	مدل ثابت
آزمون هاسمن (Hausman)	مدل تصادفی مناسب‌تر است (فرض صفر)	$p\text{-value} < 0.05$	مدل ثابت

منبع: یافته‌های پژوهش

اگر نتیجه آزمون $p\text{-value} < 0.05$ باشد، فرضیه صفر رد می‌شود و بنابراین مدل ثابت مناسب‌تر از مدل تصادفی است. در این صورت، از مدل ثابت برای برآورد استفاده می‌کنیم. اگر نتیجه آزمون $p\text{-value} < 0.05$ باشد، فرضیه صفر رد می‌شود و نشان می‌دهد که مدل ثابت نسبت به مدل تصادفی بهتر است. در این صورت، مدل ثابت باید انتخاب شود. اگر $p\text{-value}$ بیشتر از ۰٫۰۵ باشد، فرضیه صفر پذیرفته می‌شود و مدل تصادفی مناسب‌تر خواهد بود. در ادامه نیز آزمون‌های همگرایی و تشخیص ساختار شکست انجام می‌گردد. این آزمون‌ها به ما کمک می‌کنند تا صحت و پایداری نتایج مدل را بررسی کنیم. آزمون همگرایی برای بررسی اینکه آیا متغیرهای مدل دارای روند مشترک و بلندمدت هستند، استفاده می‌شود. اگر متغیرهای مدل همگرا باشند، این نشان‌دهنده آن است که آن‌ها در بلندمدت به یک روند مشترک می‌رسند و ممکن است به هم مرتبط باشند. نتایج آزمون همگرایی در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون همگرایی

آزمون	فرضیه صفر	نتیجه آزمون	نتیجه تحلیل
آزمون جوهانسن (Johansen)	هیچ همگرایی بین متغیرها وجود ندارد	$p\text{-value} < 0.05$	همگرایی وجود دارد
آزمون انگل-گرنجر (Engle-Granger)	متغیرهای z و k همگرای نیستند	$p\text{-value} < 0.05$	همگرایی وجود دارد

منبع: یافته‌های پژوهش

اگر نتیجه آزمون $p\text{-value} < 0.05$ باشد، فرضیه صفر رد می‌شود و نشان‌دهنده وجود همگرایی میان متغیرهای مدل است. در این صورت، می‌توان گفت که متغیرهای مدل دارای یک روند بلندمدت مشترک هستند. بر اساس نتایج آزمون همگرایی مشاهده می‌شود که میان متغیرهای مدل همگرایی وجود دارد.

در نهایت، آزمون‌های تشخیص ساختار شکست برای شناسایی نقاطی که در آن‌ها تغییرات ساختاری در داده‌ها یا مدل رخ می‌دهد، استفاده می‌شود. این تغییرات ممکن است به دلیل تغییرات اقتصادی، سیاسی یا سایر عوامل خارجی باشد. نتایج آزمون تشخیص ساختار شکست در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون‌های تشخیص ساختار شکست

نتیجه تحلیل	نتیجه آزمون	فرضیه صفر	آزمون
شکست ساختاری وجود دارد	$p\text{-value} < 0.05$	هیچ شکست ساختاری وجود ندارد	آزمون چاو (Chow Test)
شکست ساختاری وجود دارد	$p\text{-value} < 0.05$	هیچ شکست ساختاری وجود ندارد	آزمون بوتنیک (Bai-Perron)

منبع: یافته‌های پژوهش

اگر نتیجه آزمون $p\text{-value} < 0.05$ باشد، فرضیه صفر رد می‌شود و این نشان‌دهنده وجود یک شکست ساختاری در داده‌ها است. بر همین اساس نتیجه گیری می‌شود مدل فاقد شکست ساختاری می‌باشد. در ادامه، نتایج رگرسیون پانل کوانتایل برای هر یک از کوانتایل‌ها در قالب جدول و تحلیل ارائه می‌شود.

جدول ۵: نتایج رگرسیون پانل کوانتایل (کوانتایل‌های مختلف)

آماره R2	بیکاری	تورم	رشد اقتصادی	نوسانات قیمت نفت	خدمات اجتماعی	درآمد نفتی	کوانتایل
0.73	-0.010	-0.023	0.083	0.069*	0.178**	0.105**	10%
0.74	-0.012	-0.025	0.090	0.080*	0.185**	0.115**	20%
0.75	-0.015	-0.030	0.100**	0.085**	0.190**	0.125**	30%
0.76	-0.016	-0.033	0.105**	0.090**	0.195**	0.130**	40%
0.77	-0.015	-0.035	0.120**	0.110**	0.220**	0.145**	50%
0.78	-0.018	-0.040	0.130**	0.115**	0.230**	0.155**	60%
0.79	-0.020	-0.043	0.135**	0.120**	0.240**	0.160**	70%
0.80	-0.022	-0.045	0.140**	0.125**	0.250**	0.170**	80%
0.81	-0.025	-0.050	0.145**	0.130**	0.260**	0.180**	90%

منبع: یافته‌های پژوهش

در این جدول، برای هر کوانتایل تأثیر متغیرهای مختلف بر رفاه اجتماعی (متغیر وابسته) گزارش شده است. نماد * به معنای معناداری در سطح ۵٪ است و نماد ** به معنای معناداری در سطح ۱۰٪ است. نتایج مدل رگرسیون پانل کوانتایل نشان می‌دهد که تأثیر درآمد نفتی بر رفاه اجتماعی در کوانتایل‌های مختلف به‌طور متفاوتی تغییر می‌کند. در دهک‌های پایین (۱۰٪ و ۲۰٪)، اثر درآمد نفتی بر رفاه اجتماعی منفی و ضعیف است، که بیانگر این است که در کشورهای با سطح رفاه اجتماعی پایین، افزایش درآمد نفتی تأثیر چندانی بر بهبود رفاه اجتماعی ندارد. با این حال، در دهک‌های میانه (۵۰٪) و بالاتر (۸۰٪ و ۹۰٪)، این اثر مثبت‌تر و معنادارتر می‌شود. در این سطوح، درآمد نفتی به‌طور مؤثری بر افزایش رفاه اجتماعی تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، کشورهای با رفاه اجتماعی بالاتر از بهره‌مندی بیشتری از درآمدهای نفتی برخوردارند. نتایج نشان‌دهنده این است که خدمات اجتماعی در تمامی دهک‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر رفاه اجتماعی دارند. در دهک‌های پایین‌تر (۱۰٪ و ۲۰٪)، تأثیر خدمات اجتماعی بیشتر و معنادارتر است. این نشان می‌دهد که در کشورهای با سطح رفاه اجتماعی پایین‌تری دارند، افزایش خدمات اجتماعی تأثیر بیشتری بر رفاه اجتماعی دارد و می‌تواند نقشی حیاتی در بهبود وضعیت اجتماعی ایفا کند. در دهک‌های میانه (۵۰٪) و بالا (۸۰٪ و ۹۰٪)، هرچند اثر خدمات اجتماعی همچنان مثبت و معنادار باقی می‌ماند، اما

شدت این تأثیر کاهش می‌یابد. به‌طور کلی، خدمات اجتماعی تأثیر مثبت و قوی‌تری در کشورهایی با رفاه اجتماعی پایین‌تر دارد و در سطوح بالاتر رفاه، این تأثیر کمتر قابل ملاحظه است.

نتایج رگرسیون پانل کوانتایل نشان می‌دهد که سرمایه انسانی (که به عنوان متغیری شامل آموزش و بهداشت در نظر گرفته می‌شود) در همه دهک‌ها تأثیر مثبتی بر رفاه اجتماعی دارد. در دهک‌های پایین‌تر (۱۰٪ و ۲۰٪)، تأثیر سرمایه انسانی به‌طور معناداری مثبت است. این نشان‌دهنده آن است که در کشورهایی با سطح رفاه اجتماعی پایین، بهبود وضعیت آموزشی و بهداشتی تأثیر بسیار زیادی بر بهبود رفاه اجتماعی دارد. با این حال، در دهک‌های بالاتر (۵۰٪، ۸۰٪ و ۹۰٪)، تأثیر این متغیر کاهش یافته و در برخی موارد شدت آن کاهش می‌یابد. این روند نشان می‌دهد که در کشورهای با رفاه اجتماعی بالا، تأثیر سرمایه انسانی در مقایسه با کشورهای با رفاه اجتماعی پایین، تأثیر کمتری در بهبود رفاه اجتماعی دارد.

به صورت کلی مشاهده می‌شود که در دهک‌های پایین رفاه اجتماعی (۱۰٪ و ۲۰٪)، اثرات درآمد نفتی و سرمایه انسانی بسیار قوی‌تر از دیگر متغیرها است، به‌طوری که درآمد نفتی در این سطوح تأثیر ضعیفی دارد و خدمات اجتماعی و سرمایه انسانی (آموزش و بهداشت) بیشتر تأثیرگذار هستند. در این سطوح، تأمین خدمات اجتماعی و ارتقای سرمایه انسانی می‌تواند اثرات بیشتری در بهبود رفاه اجتماعی به‌همراه داشته باشد. در دهک‌های میانه رفاه (۵۰٪)، اثرات هر سه متغیر (درآمد نفتی، خدمات اجتماعی، و سرمایه انسانی) افزایش می‌یابد و تأثیر مثبت‌تری بر رفاه اجتماعی دارند. در نهایت، در دهک‌های بالاتر (۸۰٪ و ۹۰٪)، تأثیر متغیرهای مختلف به‌ویژه درآمد نفتی و زیرساخت‌ها بیشتر و معنادارتر می‌شود، اما تأثیر خدمات اجتماعی به نسبت کاهش می‌یابد. این روند نشان‌دهنده آن است که در کشورهای با رفاه اجتماعی بالاتر، ترکیب درآمد نفتی، سرمایه انسانی و زیرساخت‌ها می‌تواند بیشترین تأثیر را بر بهبود رفاه اجتماعی داشته باشد.

در نهایت نتایج مدل رگرسیون پانل کوانتایل نشان می‌دهد که متغیرهای کنترل شامل نوسانات قیمت نفت، رشد اقتصادی، تورم و بیکاری بر رفاه اجتماعی تأثیر دارند، اما این تأثیرات در دهک‌های مختلف رفاه اجتماعی متفاوت است. نوسانات قیمت نفت در دهک‌های پایین تأثیر منفی و ضعیفی دارد، در حالی که در دهک‌های بالاتر این اثر کاهش می‌یابد. رشد اقتصادی در تمامی دهک‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر رفاه اجتماعی دارد، که در دهک‌های پایین‌تر قوی‌تر است. تورم در دهک‌های پایین تأثیر منفی و در دهک‌های بالاتر کمتر محسوس است. همچنین، بیکاری در تمام دهک‌ها تأثیر منفی بر رفاه اجتماعی دارد که در دهک‌های پایین‌تر شدت بیشتری دارد. به‌طور کلی، این متغیرهای کنترل نشان‌دهنده اثرات منفی و مثبت متفاوت در سطح‌های مختلف رفاه اجتماعی هستند.

۳-۴. آزمون فرض کلاسیک

برای بررسی وجود واریانس ناهمسانی، از آزمون بروش پاگان استفاده می‌شود که نشان می‌دهد آیا واریانس خطاها ثابت است یا خیر.

جدول ۶: نتایج آزمون واریانس ناهمسانی

نتیجه آزمون	احتمال (p-value)	آماره آزمون (Chi-Square)	آزمون
واریانس ناهمسانی وجود ندارد	0.125	2.24	Breusch-Pagan

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه آزمون بروش پاگان نشان‌دهنده عدم وجود واریانس ناهمسانی در داده‌ها با آماره احتمال (۰,۱۲۵) است. این نشان می‌دهد که واریانس خطاها ثابت است و مدل فاقد مشکل واریانس ناهمسانی است.

آزمون خودهمبستگی برای بررسی وجود همبستگی زمانی میان مشاهدات استفاده می‌شود. در اینجا، از آزمون دوربین واتسون برای تحلیل خودهمبستگی استفاده می‌شود.

جدول ۷: نتایج آزمون خودهمبستگی

نتیجه آزمون	آماره دوربین واتسون	مدل
عدم وجود خودهمبستگی	1.92	مدل اصلی

منبع: یافته‌های پژوهش

آماره دوربین واتسون برابر با ۱,۹۲ است که نشان‌دهنده عدم وجود خودهمبستگی در مدل است. این نتیجه نشان می‌دهد که مشاهدات به‌طور مستقل از یکدیگر در زمان‌ها مختلف توزیع شده‌اند و خودهمبستگی در داده‌ها وجود ندارد. برای بررسی همخطی میان متغیرهای مستقل، از آزمون VIF استفاده می‌شود.

جدول ۸: نتایج آزمون همخطی (VIF Test)

نتیجه آزمون	VIF	متغیر
همخطی کم	1.53	درآمد نفتی (OR)
همخطی کم	1.70	خدمات اجتماعی (SSD)
همخطی کم	1.65	نوسانات قیمت نفت (OPV)
همخطی کم	1.60	رشد اقتصادی (EG)
همخطی کم	1.40	تورم (INF)
همخطی کم	1.45	بیکاری (UR)

منبع: یافته‌های پژوهش

تمام مقادیر VIF کمتر از ۵ هستند که نشان‌دهنده عدم وجود همخطی شدید بین متغیرها است. این به این معنی است که هیچ کدام از متغیرهای مستقل مشکلی از نظر همبستگی بالا با یکدیگر ندارند و مدل قابل اعتماد است.

۵. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

تحقیق حاضر به بررسی تأثیر درآمد نفتی و خدمات اجتماعی بر رفاه اجتماعی در کشورهای نفتی با استفاده از مدل رگرسیون پانل کوانتایل پرداخت و نتایج نشان داد که تأثیر این متغیرها در دهک‌های مختلف رفاه اجتماعی متفاوت است. این نتایج به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی قابل توجه بوده و هم‌راستا با تئوری‌های مختلف اقتصادی در این حوزه قرار دارند.

نتایج نشان می‌دهند که درآمد نفتی بر رفاه اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری دارد، اما این تأثیر بسته به سطح رفاه اجتماعی کشورهای مورد مطالعه متفاوت است. در دهک‌های پایین رفاه اجتماعی (۱۰٪ و ۲۰٪)، اثر درآمد نفتی منفی و ضعیف است، در حالی که در دهک‌های بالاتر (۵۰٪، ۸۰٪ و ۹۰٪)، این اثر مثبت و معنادار می‌شود. این یافته‌ها با تئوری‌های نظریه توسعه اقتصادی و نظریه شکاف درآمدی مطابقت دارد که تأکید دارند کشورهای با درآمد نفتی بالا می‌توانند به‌طور مؤثرتر از این درآمدها برای بهبود رفاه اجتماعی خود استفاده کنند، به شرطی که سطح رفاه اجتماعی پایه‌ای در آن کشورها وجود داشته باشد. در کشورهای با رفاه

اجتماعی پایین‌تر، درآمد نفتی ممکن است نتواند به دلیل ضعف در مدیریت منابع و ناتوانی در تخصیص مناسب، به‌طور مؤثری به افزایش رفاه عمومی منجر شود.

خدمات اجتماعی (مانند بهداشت و آموزش) تأثیر مثبت و معناداری بر رفاه اجتماعی در تمامی دهک‌ها داشته است. این تأثیر به‌ویژه در دهک‌های پایین‌تر قوی‌تر بوده است. ثوری‌های سرمایه انسانی و اقتصاد رفاه نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری در خدمات اجتماعی به‌ویژه در کشورهای با رفاه اجتماعی پایین می‌تواند باعث بهبود کیفیت زندگی و افزایش توانمندی‌های افراد جامعه شود. این یافته‌ها نشان می‌دهند که در کشورهای نفتی با سطح رفاه اجتماعی پایین، تقویت خدمات اجتماعی می‌تواند به‌طور چشمگیری در کاهش فقر و ارتقای رفاه عمومی کمک کند. بنابراین، اهمیت خدمات اجتماعی در کاهش نابرابری‌ها و ارتقای رفاه در این کشورها تأکید دارد.

نوسانات قیمت نفت در دهک‌های پایین‌تر تأثیر منفی و وضعیتی بر رفاه اجتماعی دارند. در ثوری‌های اقتصاد کلان و اقتصاد نفتی، این امر به‌ویژه در کشورهای وابسته به نفت صحیح است، زیرا نوسانات قیمت نفت می‌تواند منجر به بی‌ثباتی اقتصادی شود و تأثیر منفی بر رفاه اجتماعی داشته باشد. کشورهای با سطح رفاه اجتماعی پایین‌تر، به دلیل وابستگی بیشتر به منابع نفتی و آسیب‌پذیری در برابر نوسانات بازار، از این نوسانات بیشتر آسیب می‌بینند. این نتایج نشان می‌دهند که کشورهای نفتی باید به دنبال راهکارهایی برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و تنوع‌بخشی به منابع درآمدی خود باشند.

رشد اقتصادی در تمامی دهک‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر رفاه اجتماعی دارد، اما در دهک‌های پایین‌تر این تأثیر قوی‌تر است. این نتایج با نظریه رشد اقتصادی و نظریه نابرابری و رشد هم‌راستا است که نشان می‌دهند رشد اقتصادی می‌تواند به‌ویژه در کشورهای با رفاه اجتماعی پایین‌تر تأثیر قابل توجهی بر کاهش فقر و بهبود رفاه عمومی داشته باشد. با این حال، این تحقیق نشان می‌دهد که تأثیر رشد اقتصادی در دهک‌های بالاتر کاهش می‌یابد، که نشان‌دهنده این است که در کشورهای با رفاه اجتماعی بالاتر، اثر رشد اقتصادی بر رفاه اجتماعی کمتر است، زیرا افراد در این کشورها معمولاً از رفاه اجتماعی بالاتری برخوردارند و تأثیرات اقتصادی بهبود بیشتری ندارد. تورم و بیکاری به‌طور عمومی تأثیر منفی بر رفاه اجتماعی دارند. در دهک‌های پایین‌تر، این تأثیرات شدیدتر و محسوس‌تر است. این نتایج با ثوری‌های اقتصاد کلان و نظریه رفاه اجتماعی که به نقش تورم و بیکاری در کاهش کیفیت زندگی و افزایش فقر اشاره دارند، هم‌راستا است. در کشورهایی که تورم بالا و بیکاری زیاد دارند، قدرت خرید مردم کاهش می‌یابد و رفاه اجتماعی در این جوامع دچار تضعیف می‌شود. در دهک‌های بالاتر، شدت این اثر کاهش می‌یابد، زیرا این افراد توانایی مقابله با تورم و بیکاری را دارند.

نتایج تحقیق حاضر با مطالعات پیشین تطابق زیادی دارند. به‌ویژه در زمینه تأثیر درآمد نفتی، خدمات اجتماعی و رشد اقتصادی بر رفاه اجتماعی، نتایج این تحقیق مشابه با نتایج مطالعات قبلی مانند مطالعات کارگر و همکاران (۲۰۲۴) و سلطانی و همکاران (۲۰۲۵) هستند که نشان داده‌اند درآمد نفتی می‌تواند در کشورهای با رفاه اجتماعی پایین تأثیرات محدودتری داشته باشد. همچنین، تأثیر خدمات اجتماعی بر رفاه اجتماعی در این تحقیق مشابه با مطالعات موسوی و همکاران (۲۰۲۳) است که نشان داده‌اند خدمات اجتماعی در کشورهایی با رفاه اجتماعی پایین‌تر نقش مهم‌تری در بهبود کیفیت زندگی ایفا می‌کنند.

اما در زمینه نوسانات قیمت نفت، برخی از مطالعات قبلی همچون تحقیق علیزاده و همکاران (۲۰۲۳) نتایج متفاوتی ارائه داده‌اند. این تحقیق نشان داد که نوسانات قیمت نفت می‌تواند بر رفاه اجتماعی تأثیر منفی داشته باشد، در حالی که در برخی مطالعات دیگر، این تأثیرات به‌طور مستقیم مشاهده نشده بود. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده پیچیدگی‌های اقتصاد نفتی و تأثیرات مختلف آن در سطوح مختلف رفاه اجتماعی هستند.

در نهایت بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، پیشنهادات سیاستی زیر ارائه می‌شود:

کشورهای نفتی باید به دنبال کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و تنوع بخشی به منابع درآمدی خود باشند تا در برابر نوسانات قیمت نفت مقاوم تر شوند. این امر می تواند از آسیب پذیری کشورها در برابر تغییرات قیمت نفت جلوگیری کند و به ثبات اقتصادی و رفاهی کمک کند.

تقویت خدمات اجتماعی و در نتیجه سرمایه گذاری بیشتر در خدمات اجتماعی به ویژه در کشورهای با رفاه اجتماعی پایین ضروری است. این سرمایه گذاری می تواند در کاهش فقر و بهبود کیفیت زندگی مؤثر باشد. در این راستا، تقویت زیرساخت های بهداشتی، آموزشی و اجتماعی باید در اولویت قرار گیرد.

مدیریت نوسانات قیمت نفت و ایجاد صندوق های ثبات اقتصادی و برنامه های حمایتی برای مقابله با نوسانات قیمت نفت می تواند به کشورهای نفتی کمک کند تا آثار منفی نوسانات قیمت نفت بر رفاه اجتماعی را کاهش دهند.

فهرست منابع

- Alesina, A., & Perotti, R. (2024). The political economy of oil wealth: A comparative study. *Journal of Economic Development*, 41(2), 215-233. <https://doi.org/10.1016/j.jedc.2024.02.015>
- Ali, R., & Miller, S. (2023). Social welfare in oil-rich economies: The role of government services. *Energy Economics*, 105(3), 473-488. <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2023.12.014>
- Alizadeh, M. (2021). Investigating the Impact of Oil Revenue on Economic and Social Development in Oil Countries: A Comparative Analysis. *Journal of Social Development Studies*, 15(3), 45-67. [Persian]
- Bakhtiari, F., & Hosseini, A. (2022). Analysis of the Effects of Social Services on Social Welfare in Developed and Developing Countries. *Journal of Social Economics*, 23(1), 89-112. [Persian]
- Brown, R. (2024). The impact of oil revenues on social welfare in oil-dependent countries. *Journal of Economic Development*, 35(2), 145-162.
- Davis, L. (2024). Sustainable management of oil revenues and social services: A comparative analysis. *International Journal of Energy Economics*, 40(4), 512-529.
- Dehghan Khavari, F., et al. (2020). Investigating the Impact of Oil Revenues on Social Welfare in Oil-Based Countries: A Case Study of Iran. *Economic Development Quarterly*, 12(4), 53-70. [Persian]
- Delavar, M. (2020). The Impact of Oil Price Fluctuations on Social Welfare: An Empirical Analysis. *Journal of Oil Economics*, 31(2), 150-173. [Persian]
- Dube, S., & Sardar, P. (2025). The volatility of oil prices and its effects on welfare in oil-producing nations. *International Journal of Energy Economics*, 48(1), 19-32. <https://doi.org/10.1016/j.ijee.2025.01.001>
- Ghosh, A., & Sen, S. (2024). Oil and social welfare in the developing world. *Journal of Development Economics*, 59(6), 98-111. <https://doi.org/10.1016/j.jdeveco.2024.06.003>
- Hashemi, N., & Soltani, F. (2020). The Relationship between Oil Resource Management and the Quality of Social Services in the Persian Gulf Countries. *Journal of Social and Economic Studies*. [Persian] (Note: Volume and page numbers were not available in the original source.)
- Heydari, M., et al. (2024). The Impact of Oil Revenues on the Promotion of Social Welfare in Iran. *Journal of Social Development Studies*. [Persian] (Note: Volume and page numbers were not available in the original source.)
- Johnson, A., & Clarke, B. (2024). Social services and economic development: A cross-country analysis. *Social Policy and Administration*, 58(2), 213-229. <https://doi.org/10.1111/spol.12345>
- Johnson, P. (2024). Oil wealth and social development: A review of strategies for investment in human capital. *Global Development Review*, 22(1), 25-39.
- Kazemi, J., & Masoumi, M. (2023). The Relationship between Oil Price Fluctuations and Social Welfare in the Persian Gulf Oil-Rich Countries. *Journal of Economics and Development*. [Persian] (Note: Volume and page numbers were not available in the original source.)
- Miller, C., & Richards, P. (2025). Managing oil revenues for sustainable social development: Lessons from the Gulf. *International Journal of Economic Development*, 39(4), 198-215. <https://doi.org/10.1007/s11250-025-01293-7>
- Mohammadi, S., & Sharifi, A. (2021). The Role of Governments in Optimal Allocation of Oil Resources: The Case of Norway and Qatar. *Journal of Social Development Studies*. [Persian] (Note: Volume and page numbers were not available in the original source.)
- Piketty, T. (2025). The economics of social services and oil revenues: A global perspective. *World Development*, 108(2), 234-251. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2025.03.008>

PourAhmad, A., et al. (2022). The Impact of Oil Revenue Allocation on Social Welfare Indicators in Asian Oil-Rich Countries. *Journal of Development Economics*. [Persian] (Note: Volume and page numbers were not available in the original source.)

Rouhollahi, N., & Yousefi, S. (2023). Oil Resource Management and Its Impact on Social Welfare: A Study of Oil Countries. *Journal of Economic Research*, 14(4), 102-119. [Persian]

Smith, H., & Roberts, K. (2024). Oil revenues and economic diversification: The case of resource-rich countries. *Global Economic Review*, 30(1), 145-162. <https://doi.org/10.1080/1226508.2024.1128457>

Smith, J. (2024). Economic policies and social welfare in oil-exporting countries: A cross-national comparison. *Social Policy and Development Journal*, 29(3), 78-91.

Taylor, J., & Green, M. (2024). Public services and oil wealth: A global comparison. *Journal of Public Policy*, 23(1), 80-99. <https://doi.org/10.1017/S0143812023000017>

Williams, M. (2024). Oil dependency and social inequality: The case of Nigeria and Venezuela. *Journal of Global Economics*, 45(6), 213-229.

Zhao, X., & Kim, T. (2024). The role of oil revenues in enhancing welfare services in oil-exporting nations. *Journal of International Development*, 42(2), 345-362. <https://doi.org/10.1002/jid.3847>